بسم الله الرحمن الرحیم

خبر واحد

بحث انسداد

تنبیهات انسداد

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه صد و شصت و ششم\_18 اردیبهشت 1400

[سیر بحث]

در جلسۀ گذشته عرض کردیم که مسائل اصول دین به دو بخش تقسیم می شود، مسائلی که اصل اصول دین هستند و باید به آنها عالم و معتقد و متدین شد، البته علم مقدمۀ واجبی است به نام اعتقاد و تدین. بخش دوم فروع اصول دین که اگر علم به انها حاصل شد اعتقاد و تدین لازم است.

[فروع الاصول]

[مطلب اول؛ عدم وجوب تحصیل علم و معرفت]

اولین مطلبی که در مورد این قسم دوم شیخ اعظم بیان می فرمایند این است که مفروض بحث در این قسم دوم عدم وجوب تحصیل علم و معرفت است، حال که علم و معرفت تحصیل کردن لازم نیست، اگر ظنی حاصل شد، اقوی این است که نمی توان به این ظن عمل کرد و باید متوقف بود.

تعبیر در کتاب این **است کان اقوی القول بعدم وجوب العمل فیه بالظن لو فرض حصوله و وجوب التوقف فیه**

به قرینۀ وجوب توقف، عدم وجوب عمل را معنا کردم به عدم جواز عمل به ظنون چون فرمود توقف واجب است و بعد هم دلیل می آورد که ما اخبار کثیرۀ ناهیه داریم **عن القول بغیر العلم و الآمرة بالتوقف**

روایاتی که می گوید جایی که نمی دانی، توقف کنید، به ظنون عمل نکنید و تبعیت نکنید، مثل این روایت: **اذا جائکم ما تعلمون فقولوا به فاذا جائکم ما لا تعلمون، فها** (امام اشاره کرد به دهان مبارکش) **و اهدی بیده الی فیه،** یعنی صحبت نکن

پس مطلب اول این که در آن بخش از مسائل فروع اصول دین که تحصیل علم در آنها لازم نیست نباید به ظنون عمل کنید، اگر علم آمد، خوش آمد و الّا توقف. در فروع اصول دین.

[مطلب دوم؛ بی فایدگی خبر صحیح]

مطلب دوم **و لا فرق فی ذلک بین أن تکون الامارة الواردة فی تلک المساله خبرا صحیحا او غیره.**

ما گفتیم به ظنون اعتنائی نمی شود، اما این نکته را فراموش نکنید که حتی خبر صحیح هم در این جا فائده­ایی ندارد، همان خبر صحیحی که در فقه ممکن بود مورد عمل قرار بگیرد، این جا خیر، این­ها بر فرض انسداد دیگر نیست، ما کلی داریم بحث می­کنیم، بعد ایشان تأییدا برای این مطلب اشاره می­کند به سه قول، یکی از شهید ثانی، یکی از شیخنا الطوسی، یکی از سیدنا المرتضی.

[فرمایش شهید ثانی]

اما فرمایش شهید ثانی؛ ایشان می فرماید شناخت تفاصیل برزخ و معاد لازم نیست. **و اما ما ورد عنه صلی الله علیه و آله و سلم فی ذلک من طریق الآحاد فلا یجب التصدیق به مطلقا، و ان کان طریقه صحیحا**، و خبر واحد است و ظنی، علماء در عمل به خبر واحد، در احکام شرعیۀ ظنیه اختلاف دارند، **فکیف بالاحکام الاعتقادیة العلمیة** که علم می خواهد، پس خبر صحیح هم فائده­ایی ندارد.

[فرمایش شیخ طوسی]

عبارت دوم؛ شیخنا الطوسی عبارتش می رساند که عدم جواز تأویل بر اخبار آحاد اتفاقی است، و فقط بعضی از غافلان از اصحاب حدیث، در اصول دین به اخبار آحاد متوسل شده­اند.اخبار آحاد هم چه صحاحش، و چه غیر صحاحش، سخن شیخ مطلق است.

[عبارت سید مرتضی]

اما عبارت سیدنا المرتضی به نقل جناب ابن ادریس که فرموده است اصلا در این مساله اختلافی بین العلماء نیست که به اخبار آحاد در اصول دین نمی توان عمل کرد، چه در فروع اصول دین، چه در اصول اصول دین.

شیخنا الانصاری می فرماید هر کس که در بحث قبلی، اخبار آحاد را در علم اصول نپذیرفت، به ظنون در علم اصول عمل نکرد، در علم اصول فقه عمل نکرد، به طریق اولی در اصول دین هم عمل نمی کند، این هم مطلب دوم.

تا این جا در نهایت تقویت این مسأله تقویت شد که در این جا رجوع به اخبار آحاد نشاید و نباید.

[مطلب سوم؛ استدراک شیخ طوسی]

اما مطلب سوم؛ یک لکن یمکن أن یقال به صورت استدراک شیخنا العلامه بیان می کند و آن این است که اگر فرض کردیم از خبر واحدی در مسائل فرعیۀ اصول اعتقادات ظنی حاصل شد، می خواهید بگویید ظنی حاصل نشده، که نمی توانید بگویید، ظن حاصل شده است، اما می خواهید بگویید واجب نیست تصدیق به این ظن. علما، خب بله ما این را جایگاه علم بهش بدهیم. این هم باز درست است ولی این که دیگر مسلم است، ظن حاصل شده است و قهری است و وقتی قهری متصف به وجوب و حرمت دیگر نمی شود.

خب باقی می ماند یک شیء و آن این که اگر از این خبر واحد برای شما ظنی حاصل شد، تدین به این ظن نداشته باش. یعنی طوری نکن که گویا علم داری، چطور تدین در اصول اصول لازم بود، که انسان به زبان جاری کند آنچه را که در قلبش هست و پذیرش عملی داشته باشد، می خواهید بگویید این تدین فقط در جایی است که علم حاصل شده، اگر ظنی بیاید در اثر خبر واحد این تدین لازم نیست و لو ظنی حاصل شده، به محضرتان عرض می کنیم اگر شما انسدادی نیستید، و به خبر واحد عمل می کنید، و در قاموس شما چیزی به نام صدق العادل هست، خبر واحد را واجب التصدیق می دانید، چه فرق می کند این خبر واحد واجب التصدیق در برگیرندۀ مطلب فقهی باشد، یا در برگیرندۀ فرعی از اصول دین باشد، چه فروع دین، چه فروع اصول دین هر دو در صورتی که شما انفتاحی باشید فرقی نمی کند، بله از این خبر علم حاصل نمی شود ولی شما با اطلاق صدق العادل، که شامل همین فروع و اصول دینی می شود که تحصیل علم در انها لازم نیست، چه می کنید، بله فردا ان شاء الله با یک توضیح مفصل کلیدی انسدادی را خارج می کنم اما بحث انفتاح چرا؟

ان ما دل علی وجوب تصدیق العادل یأبی الشمول لمثل ذلک، شامل این جا هم می شود چه فرقی می کند. بله باید سراغ مبانی دیگر در حجیت خبر واحد هم برویم. من آن چیزی را که گفتم بر مبنای مشهور بین آقایان که انفتاح است، بود، چه فرقی است بین این دو باب.

هذا و للکلام تتمة و تکملة مهمة، ان شاء الله فردا.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.